

«**شرق**» نام مجله‌ای است که در سال ۱۳۷۲ در تهران تأسیس شد.

این مجله در ابتدا به‌دولت‌گرایان و مخالفان دولت اصلاحی تعلق داشت. در سال ۱۳۸۰، دولت احمدی‌نژاد، این مجله را توقیف کرد.

<div></div>	<div>نگاه</div>
<div>قتل ازروی ترحم ازمنظر حقوقی</div>	
	
<div><div> </div><div>محمدصادق امانی</div><div>وکیل دادگستری</div></div>	<div><div> </div><div>محمدصادق امانی</div><div>وکیل دادگستری</div></div>

● آتانازی که به آن مرگ خوب، مرگ خودخواسته یا قتل از روی ترحم گفته می‌شود، در اصطلاح، شرایطی است که شخص بیمار لاعلاج یا رضایت خود از نزدیکان یا بر حسب مورد از پزشکان درخواست می‌کند به زندگی وی خاتمه دهند که این اقدام غالباً به صورت توقف درمان یا تزریق داروهای که منتهی به مرگ شخص می‌شود، انجام می‌شود.

این نوع از مرگ‌های خودخواسته به جهت ناتوانی بیمار، با کمک شخص ثالثی صورت می‌پذیرد که به همین منظور از آن به‌عنوان قتل از روی ترحم نام می‌برند و یکی از موضوعات چالشی در حوزه حقوق کیفری است که در سال‌های گذشته مرکز قانون‌گذاران، در بسیاری از کشورها تصویب این قانون و اجازة به این نوع مرگ، با مخالفت‌های شدیدی به‌خصوص از سوی مراجع مذهبی آن کشورها، روبه‌رو شده است. اما با وجود این مخالفت‌ها، تاکنون چند کشور معدود، مجالس قانون‌گذاری خود را متقاعد کرده‌اند که این نوع مرگ‌ها را در چارچوب قانون مورد پذیرش قرار دهند. سوئیس در سال ۱۹۴۲ نخستین کشوری بود که این اجازه را حتی به اتباع خارجی داده و به نوعی پیش‌تاز در تصویب قانون برای انجام مرگ‌های خودخواسته است.

هلند، بلژیک و ایالت کبک کانادا نیز از کشورها و شهرهایی هستند که قانون‌گذاران آنها اجازه مرگ خودخواسته را صادر کرده‌اند. به همین منظور، برخی از بیماران لاعلاج و معلولانی که دارای تمکن مالی هستند، برای پایان‌دادن به درد و رنج طاقات‌فرسای ناشی از بیماری‌های خوش، به این کشورها سفر می‌کنند و پس از انجام مقدمات، به زندگی سخت خود پایان می‌دهند.

در کشور جمهوری اسلامی ایران که قوانین جزایی برگرفته از شرع مقدس اسلام است، این اقدام تحت هیچ عنوان مورد پذیرش قانون‌گذار قرار نگرفته است و در صورتی که در عالم واقع چنین اتفاقی به وقوع بپیوندد، مرتکب حتی اگر با انگیزه خیرخواهانه و برای پایان زندگی سخت شخص بیمار و به درخواست خود وی اقدام کرده باشد، در صورت تقاضای اولیای دم و در صورتی که رفتار وی مشمول ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد، به قصاص نفس محکوم خواهد شد؛ زیرا در جرائم مشمول مجازات قصاص، انگیزه هیچ تأثیری بر مجازات مرتکب نخواهد داشت. البته قصاص نفس مرتکب درخصوص این‌گونه رفتارها، در فرضی بوده که قتل به مباشرت از سوی مرتکب صورت پذیرد یا از باب تسبیب مرگ به صورت غیرمستقیم متنسب به وی باشد؛ مانند اینکه شخص دارویی را که می‌تواند منتهی به مرگ وی شود، بر بدن بیمار تزریق کند یا اینکه پزشکی با توقف درمان بیمار یا قطع اکسیژن، موجب مرگ وی شود. اما موضوع چالشی در فرضی بوده که شخص بیمار از دیگری درخواست می‌کند سواد یا لوازم مورد نیاز برای پایان زندگی را برای وی تهیه کند و پس از اختیار قرارگرفتن این مواد، خود بیمار با استفاده از آن، خودخواسته به زندگی خویش پایان می‌دهد که در اصطلاح به آن خودکشی گفته می‌شود. در این صورت، به لحاظ اینکه خودکشی در قوانین جزایی ایران جرم‌انگاری نشده است، نمی‌توان شخصی را که وسایل و مواد لازم را برای خودکشی در اختیار بیمار قرار داده، تحت عنوان معاون در جرم یا وصف جزایی دیگری تحت تعقیب قرار داد و او را به مجازات محکوم کرد. بنابراین با توجه به قبح خودکشی در دین اسلام، در صورتی که قانون‌گذار بخواهد مرتکبان این‌گونه رفتارها را به مجازات برساند، باید در قوانین جزایی ایران اصلاحاتی اساسی وارد کند که به نظر نمی‌رسد در وضعیت فعلی چنین موضوعی در دستور کار مجلس شورای اسلامی باشد.

● سده نفر بر اثر واژگونی خودرو برپاید در اتوبان سعیدیی به سمت اسلامشهر جان خود را از دست دادند.
پیمان صابریان، رئیس اورژانس تهران گفت: بر اثر واژگونی خودروی برپاید در ساعت ۱:۳۶ باآمد روز گذشته در منطقه ۱۹، در

اتوبان سعیدی به سمت اسلامشهر، جنب متروی آزادگان، سه نفر جان خود را از دست دادند. صابریان گفت: متأسفانه هویت سه فوتی (جوان ۲۸ساله، جوان ۲۶ساله و جوان ۲۵ساله) این حادثه مشخص نیست.

شرق: دیوان عالی کشور با نقض حکم قتل عمدی محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران، شواهد موجود را در خصوص قتل شبه‌عمد میترا استاد قوی دانسته است.

یک منبع آگاه به خبرنگار ما گفت: بر اساس رأی صادرشده از سوی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور، عمل ارتكابی محمدعلی نجفی در خصوص قتل میترا استاد از نظر دیوان عالی کشور شبه‌عمد تشخیص داده شده و به همین دلیل نیز دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را در شعبه هم‌عرض دانسته است.

حمیدرضا گودرزى، وکیل مدافع نجفی نیز دراین‌باره به خبرنگار ما گفت: بر اساس گفت‌وگوی شفاهی که با قضات شعبه ۴۲ انجام دادم، متوجه شدم استدلال‌های من و همکارم خانم عقبايي، مدنظر آنها قرار گرفته است. هرچند هنوز رأی صادرشده از سوی دیوان عالی کشور به صورت کتبی به ما ابلاغ نشده، اما بر اساس آنچه در سامانه ثنا به ما ابلاغ شده است، رأی صادرشده نقض و پرونده به شعبه هم‌عرض ارسال خواهد شد. رأی صادرشده در دادگاه بدوی بر اساس قتل عمدی بود و با توجه به اینکه نقضی در پرونده دیده نشده و رأی دیوان بر نقض حکم تأکید دارد، بنابراین قتل شبه‌عمد تشخیص داده شده است؛ بااین حال، در خصوص جزئیات آن منظر ابلاغ کتبی رأی هستیم.

او افزود: خوشبختانه با وجود عجله‌ای که در مرحله دادرسا اتفاق افتاد و قضات شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران نیز هرچند برخی ایرادها را برطرف کردند، اما در صدور رأی عجله کردند و قبول نکردند همه ایرادها را برطرف کنند. دیوان عالی کشور با صبوری این پرونده را بررسی و همه ایرادهای را که اشاره کرده بودیم و همه گفته‌های نجفی را با دقت بررسی کرد و به همین دلیل هم شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور که ریاست آن را آقای رازینی بر عهده دارد، دو بار حکم دادگاه بدوی را نقض کرد.

گودرزى گفت: بر اساس گفته‌های سخنگوی قوه قضائیه، با توجه به شرایط بیماری کرونا، قرارهای تأمین باید زودتر برسی و پذیرفته شود؛ به همین خاطر هم من مسئله قرار وثیقه را که از سوی دادگاه برای آقای نجفی صادر شده بود، پیگیری و این موضوع را با صراحت مطرح کردم که نجفی در یک جمع ۱۱نفره است و یکی از زندانی‌ها مبتلا به کرونا شده و در بیمارستان بستری بوده و حالا هم دوران قرنطینه را می‌گذارند. این مسئله بسیار مهمی درباره نجفی است و وضعیت را خطرناک می‌کند، چراکه آقای نجفی هم دچار مشکل قلبی و بیماری دایب است و هم اینکه سرطان پروستات دارد. او و بیماری‌های زمینه‌ای را که باعث می‌شود فرد سریع‌تر به کرونا مبتلا شود، دارد، اما هنوز مسئله آزادی او حل نشده است. هرچند من این موضوع را به دادگاه کیفری به صورت کتبی اعلام کردم، اما مسئله این است که هنوز پرونده از دیوان عالی کشور به دادگاه کیفری برنگشته است. زمانی که پرونده برگردد، از آنجایی که رسیدگی به پرونده دیگر در صلاحیت شعبه ۹ نیست، بنابراین باید صبر کرد تا پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شود تا درباره آزادی نجفی تصمیم‌گیری شود.

وی گفت: وقتی قرار بازداشت از سوی شعبه ۹ به وثیقه تبدیل شد، ما وثیقه را آماده کردیم و وثیقه کارشناسی و توقیف شد، اما ۲۴ ساعت بعد از آزادی و قبول وثیقه نجفی، او را دوباره احضار کردیم؛ زیرا تزریق دیگر وثیقه آزاد نشد و نجفی نیز همچنان در بازداشت است.

گودرزى با تأکید بر اینکه شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور معتقد است قتل شبه‌عمد بوده و نه عمد گفت: ایرادهایی که من گرفتم

حوادث

وکیل مدافع محمدعلی نجفی در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد

نظر دیوان عالی کشور درباره شبه‌عمدبودن قتل میترا استاد



و منجر به نقض حکم در دیوان عالی کشور شد، چند بند دارد. من و همکارم، خانم عقبايي، در اعتراضی که به دیوان عالی کشور ارائه کردیم، نوشتیم که در رأی صادره در شعبه ۹، دلایل موجه حکم وجود ندارد. وقتی کسی را در قتل عمد مجرم می‌دانند، در رأی صادرشده باید بنویسند به چه دلیلی او را مجرم می‌دانند؛ مثلاً بگویند با توجه به اقرار، شواهد یا… که در رأی صادره چنین چیزی نیامده است. دوم اینکه نظر کارشناسان اسلحه متفاوت است و نتوانستند به نتیجه واحدی درباره گلوله‌ای که باعث مرگ شده، برسند؛ مثلاً خانم کیانزاده معتقد است اصابت گلوله به دست منجر به دفرمه‌شدن نمی‌شود، اما گلوله در بدن دفرمه شده است. این گلوله همان گلوله‌ای است که ایراد اصلی ما بود و می‌گفتیم باید مشخص شود چرا گلوله‌ای که از بدن خارج شده، دفرمه شده است. دکتر کاهانی، کارشناس دیگر پرونده، می‌گوید گلوله به استخوان جناغ سینه برخورد کرده است و درخواست نبش قبر کرد؛ درحالی‌که طبق نظر پزشکی قانونی استخوان جناغ سینه کاملاً سالم است. دکتر عمویی معتقد است که اصابت گلوله به بدن آن را دفرمه نمی‌کند. آنها فقط ذکر کردند گلوله به موضع سخت برخورد کرده است. مسئله دیگر اینکه کارشناسان معتقدند نجفی در شلیک‌ها اراده‌ای نداشته است و با صراحت این موضوع را بیان کردند و گفتند که تعادلی نداشته و غرضی هم در شلیک نبوده است. گلوله‌ها با زاویه‌های ۱۸۰ درجه اختلاف برخورد کرده است و این نشان‌دهنده این است که هیچ اراده‌ای نبوده است. این در واقع تأیید گفته‌های نجفی است که گفت مقتول دست او را گرفته و نجفی اراده‌ای در شلیک نداشته است.

نکته بسیار مهم دیگر، این است که چون نجفی خودش اسلحه را تحویل داد، بر اساس قانون باید دو درجه تخفیف بگیرد. در واقع مجازات درجه ۶ باید به ۸ تبدیل شود. دادگاه کیفری یک با رعایت تعدد جرم نجفی را به شش سال و نیم و همچنین یک سال و سه ماه حبس محکوم کرده است. اما تعدد جرم وجود ندارد و مجازات درجه ۸ تعدد جرم محسوب نمی‌شود و فقط مجازات آن با مجازات دیگر متهم باید جمع شود. دادگاه بدوی این مسئله را هم رعایت نکرده است. بنابراین نجفی مشمول تعدد جرم نمی‌شود. یکی از

● سده نفر بر اثر واژگونی خودرو برپاید در اتوبان سعیدیی به سمت اسلامشهر جان خود را از دست دادند.
پیمان صابریان، رئیس اورژانس تهران گفت: بر اثر واژگونی خودروی برپاید در ساعت ۱:۳۶ باآمد روز گذشته در منطقه ۱۹، در

اتوبان سعیدی به سمت اسلامشهر، جنب متروی آزادگان، سه نفر جان خود را از دست دادند.
صابریان گفت: متأسفانه هویت سه فوتی (جوان ۲۸ساله، جوان ۲۶ساله و جوان ۲۵ساله) این حادثه مشخص نیست.

عشق، جنون و جنایت

کرمان پای میز محاکمه می‌رود. سجاد افشارمنش، دادستان قلعهکُنج، درباره این پرونده گفته است: در این رابطه پرونده‌ای در شعبه بازرسی دادسرای عمومی و انقلاب این شهرستان تشکیل شده است و با قید فوریت به پرونده رسیدگی خواهد شد.

اما این پسر جوان که متولد سال ۷۱ است، اولین قاتلی نیست که به خاطر شکست عشقی دست به جنایت می‌زند؛ این‌گونه قتل‌ها پیش از این نیز بارها اتفاق افتاده است.
میتیم، جوان دیگری است که بعد از شنیدن جواب رد از دختر مورد علاقه خود، خون به پا کرد و این دختر را به همراه مادر و خواهرش به قتل رساند. این جوان شیرازی بعد از دستگیری اعتراف کرد: وقتی جواب رد شنیدم و مینا، دختر مورد علاقه‌ام، به خواسته و خواهش‌هایم توجهی نکرد، از او کینه به دل گرفتم و به این نتیجه رسیدم که باید از او و اعضای خانواده‌اش انتقام بگیرم. آن دختر نباید با فری دیگری ازدواج می‌کرد. من او را عاشقانه دوست داشتم و زندگی بدون او برایم قابل تصور نبود. همین افکار باعث شد نقشه قتل را طراحی کنم. برای این کار سلاحی خریدم و شب حادثه در خانه مقتولان رفتم. وقتی آن دختر همراه مادر و خواهرش جلوی در آمدند، در حالی که خیلی عصبانی بودم، به هر سه نفر شلیک کردم و به سرعت با فرار گداشتم.

میتیم، جوان دیگری است که با انگیزه‌ای مشابه پدر دختر را به قتل رسانده است. او گفته است: من مدتی قبل با مرضیه و خانواده‌اش آشنا و به این دختر علاقه‌مند شدم. او را واقعا دوست داشتم، به‌گونه‌ای که شبانه‌روز به مرضیه فکر می‌کردم و دیگر نمی‌توانستم بدون او زندگی کنم. به همین دلیل می‌خواستم هرچه زودتر با او ازدواج کنم، ولی هر بار که این بحث را مطرح می‌کردم، جواب فرشی به من نمی‌داد. تا اینکه به مرضیه گفتم باید جواب نهایی را بر بدی و تکلیف را روشن کند. مطمئن بودم او هم من را دوست دارد و پاسخ مثبت می‌دهد، اما روزی که قرار شد جواب قطعی را از او بگیرم، در کمال ناباوری گفت قصد ندارد با من ازدواج کند. از شنیدن این حرف شوکه شده بودم. احساس می‌کردم تمام زندگی‌ام از بین رفته است. به همین خاطر به او اصرار کردم نظرش را تغییر دهد، ولی فایده‌ای نداشت. تا اینکه یک روز به او تلفن زدم و گفتم می‌خواهم ببینمش تا با هم صحبت کنیم. با او برای ساعت بعد از پایان کارش قرار گذاشتم تا بلکه این بار بتوانم راضی‌اش کنم، ولی این بار هم فایده‌ای نداشت و او به خواهش‌های من هیچ اعتنایی نکرد. واقعا عصبانی شده بودم. خون جلوی چشمانم را گرفته بود و احساس می‌کردم هر طرد شده باید انتقام بگیرم. مرضیه باید تاوان این کارش را پس می‌داد. آن روز از او جدا شدم، اما روز بعد به خانه‌اش رفتم و زنک زدم. پدرش جلوی در آمد. همین که او

قضات دادگاه بدوی این نکته را مدنظر قرار داد، اما قضات دیگر این کار را نکردند. سلاحی که نجفی داشته، با پروانه حمل بوده است. سلاح نجفی تا سال ۹۶ پروانه حمل داشته است، اما چون زندگی شخصی‌اش دچار تشنجات شدیدی شد، دیگر به پروانه حمل توجه نکرده و آن را تمدید نکرده بود بنابراین مرتکب تخلف نگهداری سلاح غیرمجاز نیست که البته رأی اقلیت دادگاه بدوی نیز این استدلال را پذیرفت و به‌طور کلی در حمل سلاح غیرمجاز نجفی را تبرئه کرد، اما نظر اکثریت چیز دیگری بود. با توجه به نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور و ارجاع آن به شعبه هم‌عرض، دیوان عالی کشور قتل را شبه‌عمد تشخیص داده است؛ البته درباره جزئیات حتما باید متن رأی در اختیارمان باشد.

وکیل‌مدافع نجفی در ادامه توضیح داد: ما به‌طور مشخص به‌عنوان وکلای نجفی از قوه قضائیه درخواست داریم وثیقه معرفی شده و بازداشت‌شده از سوی ثبت را اجرایی کند و قرار قبولی وثیقه برای زندان ارسال شود. نجفی ۷۰ساله است، سه بیماری زمینهای و شدید ازجمله سرطان پروستات هم دارد، قصاص از او ساقط شده و قتل غیرعمد هم از سوی دیوان پذیرفته شده است؛ درخواست داریم این پرونده با توجه به نظر دیوان و نظر کارشناسان که به اتفاق گفته‌اند نجفی کاملا بی‌اراده شلیک کرده و قتل شبه‌عمد است، رسیدگی شود. ما رضایت اولیای دم را گرفتیم تا افکار عمومی آرام شود، سعی کردیم تشنجی ایجاد نکنیم و بسیار دقت کردیم حرفی که باعث ناراحتی اولیای دم یا دیگران شود، نگوییم. می‌توان گفت آقای نجفی بر اساس نظر که به‌تازگی دیوان عالی کشور داده است، دوران حبس قانونی خودش را هم با توجه به ایام بازداشت گذرانده، چرا نباید با وثیقه آزاد شود؟ حتی کسانی که متهم به قتل عمدی هستند، در صورتی که رضایت اولیای دم را جلب کنند، می‌توانند با وثیقه آزاد شوند؛ حالا که نظر دیوان به شبه‌عمد است، چرا نباید وثیقه او که ۴۰۰ میلیون تومان هم بیشتر از مبلغی است که دادگاه تعیین کرده، اجرایی شود؟ ما و خانواده آقای نجفی با توجه به شرایط جسمی او و وضعیت زندان‌ها، بسیار نگران سلامتی‌اش هستیم و درخواست آزادی او را از قوه قضائیه داریم.

● سده نفر بر اثر واژگونی خودرو برپاید در اتوبان سعیدیی به سمت اسلامشهر جان خود را از دست دادند.
پیمان صابریان، رئیس اورژانس تهران گفت: بر اثر واژگونی خودروی برپاید در ساعت ۱:۳۶ باآمد روز گذشته در منطقه ۱۹، در

اتوبان سعیدی به سمت اسلامشهر، جنب متروی آزادگان، سه نفر جان خود را از دست دادند.
صابریان گفت: متأسفانه هویت سه فوتی (جوان ۲۸ساله، جوان ۲۶ساله و جوان ۲۵ساله) این حادثه مشخص نیست.

کرمان پای میز محاکمه می‌رود. سجاد افشارمنش، دادستان قلعهکُنج، درباره این پرونده گفته است: در این رابطه پرونده‌ای در شعبه بازرسی دادسرای عمومی و انقلاب این شهرستان تشکیل شده است و با قید فوریت به پرونده رسیدگی خواهد شد.
اما این پسر جوان که متولد سال ۷۱ است، اولین قاتلی نیست که به خاطر شکست عشقی دست به جنایت می‌زند؛ این‌گونه قتل‌ها پیش از این نیز بارها اتفاق افتاده است.
میتیم، جوان دیگری است که بعد از شنیدن جواب رد از دختر مورد علاقه خود، خون به پا کرد و این دختر را به همراه مادر و خواهرش به قتل رساند. این جوان شیرازی بعد از دستگیری اعتراف کرد: وقتی جواب رد شنیدم و مینا، دختر مورد علاقه‌ام، به خواسته و خواهش‌هایم توجهی نکرد، از او کینه به دل گرفتم و به این نتیجه رسیدم که باید از او و اعضای خانواده‌اش انتقام بگیرم. آن دختر نباید با فری دیگری ازدواج می‌کرد. من او را عاشقانه دوست داشتم و زندگی بدون او برایم قابل تصور نبود. همین افکار باعث شد نقشه قتل را طراحی کنم. برای این کار سلاحی خریدم و شب حادثه در خانه مقتولان رفتم. وقتی آن دختر همراه مادر و خواهرش جلوی در آمدند، در حالی که خیلی عصبانی بودم، به هر سه نفر شلیک کردم و به سرعت با فرار گداشتم.

میتیم، جوان دیگری است که با انگیزه‌ای مشابه پدر دختر را به قتل رسانده است. او گفته است: من مدتی قبل با مرضیه و خانواده‌اش آشنا و به این دختر علاقه‌مند شدم. او را واقعا دوست داشتم، به‌گونه‌ای که شبانه‌روز به مرضیه فکر می‌کردم و دیگر نمی‌توانستم بدون او زندگی کنم. به همین دلیل می‌خواستم هرچه زودتر با او ازدواج کنم، ولی هر بار که این بحث را مطرح می‌کردم، جواب فرشی به من نمی‌داد. تا اینکه به مرضیه گفتم باید جواب نهایی را بر بدی و تکلیف را روشن کند. مطمئن بودم او هم من را دوست دارد و پاسخ مثبت می‌دهد، اما روزی که قرار شد جواب قطعی را از او بگیرم، در کمال ناباوری گفت قصد ندارد با من ازدواج کند. از شنیدن این حرف شوکه شده بودم. احساس می‌کردم تمام زندگی‌ام از بین رفته است. به همین خاطر به او اصرار کردم نظرش را تغییر دهد، ولی فایده‌ای نداشت. تا اینکه یک روز به او تلفن زدم و گفتم می‌خواهم ببینمش تا با هم صحبت کنیم. با او برای ساعت بعد از پایان کارش قرار گذاشتم تا بلکه این بار بتوانم راضی‌اش کنم، ولی این بار هم فایده‌ای نداشت و او به خواهش‌های من هیچ اعتنایی نکرد. واقعا عصبانی شده بودم. خون جلوی چشمانم را گرفته بود و احساس می‌کردم هر طرد شده باید انتقام بگیرم. مرضیه باید تاوان این کارش را پس می‌داد. آن روز از او جدا شدم، اما روز بعد به خانه‌اش رفتم و زنک زدم. پدرش جلوی در آمد. همین که او

این روان‌پزشک ادامه می‌دهد: خیلی وقت‌ها صحبت احساس‌های دوگانه مطرح است؛ این احساس‌های دوگانه ممکن است نسبت به طرف مقابل باشد یا فراتر از آن به شکل کلی نسبت به مقوله ازدواج و زندگی مشترک. ازدواج‌هراسی پدیده شایعی است که می‌توان ردپایش را در نزدیک‌ترین رابطه‌ها دید. ازدواج‌هراسی انسان‌ها را نسبت به تصمیم‌گیری نهایی فلج می‌کند و ممکن است رابطه را برای مدت زمان زیادی در وضعیت ملق قرار دهد. در جلسه‌های مشاوره پیش از ازدواج تلاش بر این است که وضعیت احساسی دو نفر نسبت به همدیگر شفاف بشود که بتوانند در تصمیم‌گیری قاطعانه‌تر برخورد کنند. در هر صورت، رابطه عاشقانه بهتر است هرچه زودتر شفاف شود. ادامه‌دارشدن یک رابطه پریشمکل و پر از ابهام می‌تواند پیامدهای بیش‌بینی‌نشده زیادی به همراه داشته باشد.

«**شرق**» نام مجله‌ای است که در سال ۱۳۷۲ در تهران تأسیس شد.

این مجله در ابتدا به‌دولت‌گرایان و مخالفان دولت اصلاحی تعلق داشت. در سال ۱۳۸۰، دولت احمدی‌نژاد، این مجله را توقیف کرد.

<div></div>	<div>بادداشت</div>
<div>بررسی شرایط قانونی حضانت کودکان بعداز طلاق</div>	
	
<div><div> </div><div>سارا نجیمی</div><div>وکیل دادگستری</div></div>	<div><div> </div><div>سارا نجیمی</div><div>وکیل دادگستری</div></div>

● حضانت در لغت به معنای تربیت طفل و حفظ و نگهداری از او است. فقها در تعریف حضانت از کلمه تربیت نیز استفاده کرده‌اند که ناظر بر دو جنبه روحی و جسمی، مادی و معنوی است. به موجب ماده ۱۱۶۸قانون مدنی ایران، حضانت، حق و نیز تکلیف والدین محسوب می‌شود. علاوه بر قانون مدنی، در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۲نیز آخرین نظرات قانون‌گذار درباره بایدها و نبایدهای امر حضانت گنجانده شده است.

مطابق با ماده ۱۱۷۸قانون مدنی، پدر و مادر مکلف هستند در حد توانایی خود، به تربیت و پرورش و نگهداری فرزند خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند؛ چراکه اختلاف، حضانت قانون، امر حضانت تکلیفی است بر عهده والدین. بااین حال، سهل‌انگاری در نگهداری و تربیت فرزند موجب سقوط حق حضانت می‌شود. زمانی که پدر و مادر با یکدیگر زندگی می‌کنند، حضانت فرزند با هر دو آنهاست. درصورتی‌که پدر و مادر جدا از یکدیگر زندگی کنند، مطابق ماده ۱۱۶۹قانون مدنی، برای حضانت چنین فرزندانسی، مادر تا هفت‌سالگی اولویت دارد و پس از آن اولویت با پدر است؛ مگر آنکه مصلحت فرزند به‌گونه‌ای دیگر اقتضا کند. البته در این خصوص نکاتی را باید مطابق با قانون در نظر داشت:

تبرئه این قانون می‌گوید بعد از هفت‌سالگی در صورت بروز اختلاف، حضانت فرزند با رعایت مصلحت وی به تشخیص دادگاه است.

-اگر برای یکی از والدین مشکلی پیش آید از قبیل عدم صلاحیت در نگهداری از فرزند یا اینکه یکی از والدین به نحوه نگهداری فرزند از سوی طرف دیگر اعتراض کند، باز هم امکان تغییر صاحب حضانت خواهد بود؛ حتی در مدتی که اولویت آن با پدر یا مادر باشد.

-با رسیدن فرزند به سن بلوغ (در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال قمری)،دادگاه خود یا فارغ از رسیدگی درباره حضانت دانسته و این خود فرزندان هستند که انتخاب می‌کنند نزد کدام‌یک از والدین زندگی کنند، اما در هر صورت تأمین نفقه و مخارج زندگی فرزند با پدر خواهد بود.

پس مطابق با قانون، حضانت‌فرزندان تا هفت‌سالگی حق و تکلیف مادر است و پس از هفت‌سالگی، حضانت فرزند پدر تا ۱۵سالگی قمری با پدر خواهد بود و فرزند دختر تا ۹سالگی قمری و در خصوص حضانت فرزند بالغ کمتر از ۱۸سال مستندا به ماده ۱۲۱۰قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۶۴/۱/۳ با رسیدن طفل به سن بلوغ شرعی که در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال قمری است و با توجه به اینکه موضوع حضانت از موضوعات غیرمالی است، بنابراین حضانت منتفی بوده و فرد بالغ (پس از بلوغ شرعی) می‌تواند با هر یک از والدین یا اجداد خود که بخواهد زندگی کند.

طبق ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده، رعایت مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است؛ بنابراین دادگاه می‌تواند با رعایت ماده فوق، بعد از هفت‌سالگی هم حضانت را همچنان بر عهده مادر بگذارد. در همین خصوص، رأی شماره ۱۱۳۱۳-۹۰۹۰۹۰۹۰۹۰۹۰۹۰ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۵شعبه ۸ دیوان عالی کشور چنین مقرر کرده است: در حضانت دختر بعد از هفت‌سالگی به لحاظ جنسیت، نزدیک‌ربوط به سن بلوغ و احتیاج به مراقبت‌های ویژه که فقط از طرف مادر ممکن و میسر خواهد بود، مادر در اولویت است.

مطابق با ماده ۱۱۷۰قانون مدنی، اگر مادر در مدتی که حضانت کودک با او است با شخص دیگری ازدواج کند، حق حضانت با پدر خواهد بود؛ با وجود این و با لحاظ ماده ۴۰ به بعد قانون حمایت خانواده، می‌توان گفت اگر دادگاه تشخیص دهد که مصلحت کودک اقتضا دارد حضانتش به مادر سپرده شود، می‌تواند حضانت را به مادر کودک بدهد. با توجه به ماده ۴۱قانون حمایت خانواده، هرگاه دادگاه تشخیص دهد امور مربوط به کودک برخلاف مصلحت او است، با رضایت والدین می‌تواند حضانت (پدر یا مادر) از انجام حضانت در خصوص حضانت طفل تصمیم خواهد گرفت:۱-اعتیاد زیان‌ر به الکل، مواد مخدر و قمار، ۲-اشتهار به فساد اخلاق و فحشا، ۳-ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی، ۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضداخلاقی مانند فساد و فحشا و تکدی‌گری و قاچاق و ۵-تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

در نهایت مواردی را که منجر به سلب حضانت از والدین (پدر و مادر) می‌شود،قانون‌گذار در ماده ۱۱۷۳قانون مدنی بیان می‌کند:

در این حالت محکمه با رعایت شرایط مقرر در قانون در خصوص حضانت طفل تصمیم خواهد گرفت:۱-اعتیاد زیان‌ر به الکل، مواد مخدر و قمار، ۲-اشتهار به فساد اخلاق و فحشا، ۳-ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی، ۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضداخلاقی مانند فساد و فحشا و تکدی‌گری و قاچاق و ۵-تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.